

پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب*

اشاره

فصلنامه پاسخ باتوجه به رسالت مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه بر آن است تا یک بخش از نشریه را به درج تعدادی از پرسش‌ها و شبهات مطرح در موضوعات مختلف که در گروه‌های علمی این مرکز بررسی و پاسخ داده شده اختصاص دهد. در این بخش به اختصار حاصل برخی از این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران محترم و مخاطبان عزیز نشریه پاسخ ارائه می‌گردد.

شبهه اول

شیعه امامی تاریخی درآمیخته با سکوت سیاسی، تقیه و تأکید بر جنبه‌های علمی و فضیلت‌های فردی داشته و این پیشینه، فاقد ابزارهای نظری لازم برای قیام و تشکیل حکومت است؟

پاسخ شبهه

مذهب شیعه بر پایه مبانی فطری، عقلی و آموزه‌های اسلامی همواره در طول تاریخ در برابر ظلم ایستاده است. این مبارزه بسته به زمینه‌های تاریخی در قالب تقیه، حرکت‌های اعتراضی و اصلاحی و یا انقلاب و تشکیل حکومت شیعی نمود پیدا کرده است؛ اما آنچه به عنوان خط فکری و جریان عمومی در تشیع در همه برهه‌های تاریخی به چشم می‌خورد،

*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه.

فرهنگ مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و سلطه جویی است. حتی در سخت ترین شرایط شیعه این اصل را حفظ کرده و مقاومت در حد ممکن را کنار نگذاشته است. براین اساس، نگاهی که تشیع امامی را آمیخته با سکوت و تقیه انگاشته و انقلابی گری را شاخصه تشیع زیدی معرفی می کند، (همان) ماهیت تشیع را درک نکرده است. [۱]

گرچه ائمه علیهم السلام در برهه هایی از تاریخ به دلیل فراهم نبودن شرایط، مبارزه مستقیم و انقلاب مسلحانه برای برانداختن حکومت های غاصبانه و ظالمانه را در دستور کار خود نداشتند؛ اما این به معنای سکوت در برابر ظلم و سلطه و سازش با آن نبوده و هیچ گاه از اصل مبارزه و مقاومت در برابر این حکومت ها غافل نبوده و خط فکری مبارزه را در عرصه های مختلف دنبال کرده اند. «ائمه در یک مبارزه حاد سیاسی بودند و فقط مبارزه علمی و اعتقادی و کلامی نداشتند»، [۲] شهادت همه ائمه علیهم السلام توسط خلفای بنی امیه و بنی عباس گویای این امر است، اگر ائمه اطهار علیهم السلام سکوت و سازش و کنار آمدن با حاکمان ظالم و غاصب زمان خویش را ترویج کرده و تشیع امامی این خط فکری و عملی را در این دوران دنبال می کرد؛ چرا آن بزرگواران و شیعیان با این حجم از دشمنی و توطئه از سوی آنان مواجه بودند و برخورد حاکمان بنی امیه و بنی عباس با امامان شیعه و شیعیان بیانگر ماهیت ظلم ستیزانه و هویت ضد سازش کارانه و مقاومت و مبارزه آنهاست.

مقاومت و تلاش برای احقاق حق در ذات تشیع نهفته است و نمی توان آن را از شیعه گرفت و شیعه را متهم به سکوت در برابر ظالمان نمود و هویت ضد سلطه و انقلابی تشیع را منکر شد. اساساً «نام شیعه در فرهنگ تشیع و نیز در تفاهم و درک غیر شیعیان در قرن های نخستین اسلام و در زمان ائمه بر کسی اطلاق نمی شد که فقط محبت خاندان پیامبر را در دل داشته باشد یا صرفاً به حقانیت آنان و صدق دعوتشان معتقد باشد ... بلکه به جز اینها، شیعه بودن یک شرط اساسی و حتمی داشت و آن عبارت بود از «پیوستگی فکری و عملی با امام و شرکت در فعالیتی که به ابتکار و رهبری امام در جهت بازیافتن حق غصب شده و تشکیل نظام علوی و اسلامی در سطوح مختلف فکری، سیاسی و احیاناً نظامی انجام می گرفت».[۳]

تقیه در مکتب تشیع نه به عنوان رویه اصلی و عمومی آن؛ بلکه رویکردی مقطعی و

موقت در راستای حفظ دین در شرایط خاص در نظر گرفته شده و بر مبنای آن نمی‌توان ماهیتی منفعل، سازش‌کارانه از تشیع را ترسیم نمود، به همین دلیل دست نزدن به قیام و مبارزه به دلیل فراهم نبودن زمینه و شرایط در راستای حفظ دین، به معنای کنار آمدن ائمه معصومین علیهم‌السلام با حاکمان جور و یا سازش با آنها و کنار گذاشتن مقاومت و مقابله با ستمگران در حد امکان نبوده است. همان‌گونه که قیام برای تشکیل حکومت دینی با تحقق شرایط برخلاف رویه تشیع امامی نیست. در مکتب تشیع تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت دین در صورت فراهم بودن شرایط و زمینه آن نفی نشده است.

تصویر سکوت و تقیه به عنوان هویت کلی تشیع و نفی هویت انقلابی و قیام از آن، دانسته یا نادانسته نفی جامعیت و حق حاکمیت در نگاه شیعی است. طبق این انگاره باید بپذیریم که شیعه هیچ برنامه‌ای برای حاکمیت در عصر غیبت ارائه نداده است و خداوند مردم را در این مدت طولانی به حال خود رها کرده و اجازه داده است که دیگران حاکمیت بلاد اسلامی را در اختیار بگیرند و شیعیان نیز تنها باید به سکوت و تقیه در برابر آنها بسنده کنند.

باید دانست که احکام اسلام زمامتد نبوده و به زمان خاصی محدود نیست و ضرورت اجرای احکام اسلام، ضرورت لزوم تشکیل حکومت را به همراه دارد و تفاوتی میان عصر حضور معصوم و غیبت ایشان نیست، ضرورت باقی است چراکه نیاز به قانون و حکومت برای انسان‌ها محدود به زمان و مکان خاصی نیست و در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام همه حقایق و اصولی که در عصر رسالت و امامت وجود داشت محفوظ است و نیز طولانی شدن غیبت امام زمان نباید باعث انزوای اسلام و در نتیجه سبب عزلت مسلمانان در صحنه بین‌الملل گردد.

حاصل اینکه فراهم نبودن شرایط و زمینه‌های سیاسی اجتماعی برای تشکیل حکومت شیعی در برهه‌های زیادی از تاریخ تشیع و بسط ید نداشتن علما، به معنای انکار نظریه حاکمیت شیعی نیست و نقش علمای شیعی در طول تاریخ کشور در مبارزه با استعمار و استبداد قابل‌انکار نیست که نمی‌توان آن را در قالب تقیه و سکوت تحلیل کرد، آنچه توسط امام خمینی علیه‌السلام شکل گرفت، نتیجه مجاهدت علما در طول تاریخ بود، تلاشی که همچون

زنجیره به هم پیوسته‌ای در گذر زمان و بسته به شرایط و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تکمیل گردیده و در انقلاب اسلامی تبلور یافت.

شبهه دوم

انقلاب اسلامی در استکبارستیزی رویکرد و موضعی مقطعی داشته است؟

پاسخ شبهه

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که در تاریخ تحولات این انقلاب کاملاً مشهود بوده و آن را متمایز از هر انقلاب دیگری ساخته است، مبارزه هم‌زمان آن با سلطه داخلی و خارجی بود آغاز نهضت امام خمینی علیه السلام از سال ۱۳۴۱ رنگ و بوی قوی ضد استکباری و آمریکاستیزانه داشت؛ چنان‌که اوج مرحله اول قیام امام خمینی علیه السلام را می‌توان در واکنش شدید ایشان به ماجرای کاپیتولاسیون (Capitulation) جستجو کرد که بُعد استکبارستیزی و ضد آمریکایی آن کاملاً مشهود بود و اساساً این مرحله از قیام امام خمینی علیه السلام بیش از اینکه رژیم را نشانه گرفته باشد آمریکا را مورد هدف قرار داده بود و این مسئله تا جایی برای رژیم و اربابان آن سنگین بود که حاضر به تحمل ایشان در داخل کشور نشده و بلافاصله اقدام به دستگیری و تبعید ایشان نمودند، باین‌حال موضوع استکبارستیزی هرگز از برنامه‌های قیام امام خمینی علیه السلام حذف نشده و ایشان در کنار مبارزه با استبداد همواره بر این بعد مبارزاتی خویش نیز تأکید می‌کردند؛ از این‌رو استکبارستیزی انقلاب اسلامی تحت رهبری ایشان نه یک روش مقطعی؛ بلکه یک راهبرد بود که در تمام مراحل انقلاب و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز مشهود است.

در همین زمینه دلایل متعددی را می‌توان اقامه کرد که حاکی از این است که سیاست استکبارستیزی در قاموس امام خمینی علیه السلام، یک اصل بنیادین بوده و مربوط به مقطع خاصی نبوده است که از جمله این دلایل عبارتند از:

۱. ماهیت استکبارستیزانه انقلاب اسلامی ایران؛ هر انقلابی مبتنی بر برخی اصول و ارزش‌هاست که گاه از آن تحت عنوان ایدئولوژی آن انقلاب یاد می‌شود که همین امر، موضع‌گیری‌های آن انقلاب را در قبال موضوعات مختلف نشان می‌دهد؛ چنان‌که تمایل و وابستگی عمده انقلاب‌ها به بلوک‌های قدرت جهانی و درواقع پذیرش سلطه این بلوک‌ها

ریشه در این ایدئولوژی داشت، در این میان انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر ایدئولوژی خاصی بود که در ذات خود، علاوه بر استبداد داخلی، نفی هرگونه سلطه خارجی جزء اصول تغییرناپذیر آن بود، به عبارت دیگر این ایدئولوژی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام بود که نفی هرگونه سلطه‌ای در آن نقش برجسته‌ای داشت؛ به عنوان مثال باید به یکی از اهداف بعثت انبیا اشاره کرد که بر اساس آموزه‌های دینی عبارت بود از «اجتناب از طاغوت» و طاغوت نیز اصطلاحی است که قابل اطلاق بر مستبدان داخلی و مستکبران خارجی است. همچنین باید به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» [۴] اشاره کرد که فقهای شیعه در طول تاریخ از آن قاعده‌ای تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» استخراج کرده‌اند و در طول تاریخ در برابر هرگونه سلطه خارجی به استناد این قاعده واکنش نشان داده‌اند. نکته جالب توجه این است که حتی امام خمینی رحمه الله نیز در ابتدای پیامی [۵] که به منظور مخالفت خود با کاپیتولاسیون خطاب به روحانیون و ملت ایران صادر کرده بود این آیه را مطرح کرده بودند که نشانگر آن است و مخالفت ایشان با این موضوع، نه یک مخالفت تاکتیکی و گذرا؛ بلکه یک مخالفت ریشه‌دار و ثابت است که از اصول ثابت و مستدل دینی برخاسته و به همین جهت تعطیل بردار نیست.

۲. مواضع و عملکرد ثابت و پایدار امام خمینی رحمه الله؛ بررسی مواضع امام خمینی رحمه الله از ابتدای آغاز قیام تا پیروزی انقلاب اسلامی و نیز مواضع بعدی آن همه حاکی از آن است که استکبارستیزی بخشی از ماهیت آن را تشکیل می‌داد، به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند: «دنیا بداند که هر رفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از آمریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است ... دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال آمریکا و عمال آن، آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند، آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند. ... آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند، آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید».

۳. رفتارشناسی سردمداران نظام استکبار؛ یکی از راه‌های تحلیل هر انقلابی بررسی

واکنش‌های بازیگران بین‌المللی به‌ویژه نظام‌سلطه، به رخداد‌های انقلاب و نیز نوع تعامل آن با این انقلاب است، با بررسی این مؤلفه‌ها در نسبت انقلاب با رفتارهای آمریکا و هم‌پیمانانش می‌توان دریافت استکبار جهانی همواره نقش منفی در این نسبت داشته است، به‌طوری‌که پیش از پیروزی انقلاب، از هیچ تلاشی در جهت ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فروگذاری نکرد تا جایی که در آخرین اقدام قصد انجام کودتا داشتند که با هوشیاری ملت و رهبری حکیمانه امام خمینی رحمته‌الله در ساعت‌های آخر این توطئه خنثی شد و انقلاب با حضور مردم در صحنه به پیروزی رسید؛ پس از پیروزی انقلاب نیز اگرچه آمریکا اعلام کرد قصد دارد بی‌طرفانه نظاره‌گر صحنه باشد اما در پشت پرده توطئه‌های خود را برای سرنگونی نظام آغاز کرد و همین رویه براندازانه را تا به امروز ادامه داده است.

رفتارشناسی آمریکا و هم‌پیمانانش در طی این سال‌ها حاکی از آن است که این کشورها به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان دشمن اصلی خود نگاه می‌کنند که بیانگر آن است که استکبارستیزی بخشی از راهبرد این انقلاب را تشکیل می‌دهد، بنابراین با بررسی ماهیت‌شناسی انقلاب اسلامی، مواضع و عملکرد رهبران و سیر تحولات تاریخی انقلاب اسلامی و نیز رفتارشناسی استکبار جهانی می‌توان دریافت که استکبارستیزی در کنار استبدادستیزی همواره بخش مهمی از اصول انقلاب بوده و هست.

شبهه سوم

اگر انقلاب نمی‌کردیم این‌قدر دشمن نداشتیم، اساساً وقوع انقلاب اسلامی باعث برخی دشمنی‌ها به‌خصوص از ناحیه کشورهای تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی نسبت به کشور ایران گردید؟

پاسخ شبهه

آنچه برای ما معیار است درواقع بر حق بودن راه و حرکتی است که مردم ما در سال ۱۳۵۷ آغاز کردند و در آن راه استقامت کردند، اینکه بگوییم «اگر انقلاب نمی‌کردیم این‌قدر دشمن نداشتیم» درواقع صورت‌مسئله را پاک کرده‌ایم، مردم انقلابی ما برای چه هدفی در این راه قدم گذاشتند، یقیناً آنان در سال ۱۳۵۷ به دنبال دشمن‌تراشی نبودند؛ بلکه آنها به‌خوبی

دریافته بودند که دشمن در خانه آنهاست و سال‌ها حاکمیت آنان توسط کشورهای غربی همچون آمریکا مورد تجاوز قرار گرفته است و برای اینکه دست متجاوزان را کوتاه نمایند به صحنه آمدند و چنین انقلابی را رقم زدند و نظام وابسته به آمریکا را ساقط کردند، اگر آمریکایی‌ها و کشورهای تابع آن سال‌ها با ملت ایران دشمنی می‌کنند و برای براندازی نظام توطئه می‌کنند، جنگ هشت‌ساله را تحمیل می‌کنند و نهایت اینکه مردم ایران را تحریم می‌کنند، آیا مردم انقلابی ما باید پاسخگو باشند؟ البته مطالبه به حق نسل امروز این است که چرا و به چه دلیل برخی کشورها مثل آمریکا با ملت ایران دشمنی می‌کنند و اساساً سبب خصومت آنان با کشور ما برای چیست؟ نه اینکه بگویند: «اگر انقلاب نمی‌کردیم این قدر دشمن نداشتیم»! به‌رحال مردم ایران در این انقلاب با توجه به شعارهایی که سر می‌دادند اهداف مشخصی داشتند، کسانی که با تاریخ ایران آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که تکیه رژیم شاه به رضایت قدرت‌های بیگانه به‌ویژه انگلیس و آمریکا بود و نیز نفوذ انگلیس و به تبع آن آمریکا، در دستگاه اداری و نظامی و... غیرقابل انکار است، درواقع شاه تاج‌وتخت خود را مدیون آنها می‌دانست و دوام و بقای آن را نیز وابسته به حمایت آنها می‌دید. [۷]

باتوجه به انبوهی از شواهد تاریخی، تردیدی نیست که در عصر پهلوی، غربی‌ها به‌خصوص آمریکا مقدرات این کشور را در اختیار داشتند و رژیم پهلوی همواره سرسپردگی خود را به سران غرب به اثبات رسانده بود و انقلاب اسلامی یک واکنش طبیعی در قبال جنایات رژیم پهلوی به شمار می‌رود، البته مردم راهی جز انقلاب و ساقط کردن رژیم در پیش رو نداشتند، ملتی که بیدار شده و می‌بیند سران رژیم برای تصمیماتی مهم برای اداره کشور باید ملاحظه و موافقت آمریکایی‌ها را داشته باشد، چگونه می‌تواند عزت و غرور ملی خود را نادیده بگیرد؛ یعنی نوع عملکرد و سوءرفتار آمریکایی‌ها در این دوران به‌گونه‌ای بود که حرکت انقلابی مردم ایران با مخالفت با آنان همراه می‌گردد و آمریکایی‌ها بعد از پیروزی انقلاب همچنین دست از این سوءرفتارها برنداشتند و همواره به دنبال توطئه علیه نظام نوپای نظام اسلامی بودند، خوب این هم دلیل داشت؛ چراکه آنان با سقوط رژیم شاه، درواقع منافع عظیمی را ازدست‌داده بودند و تحمل این موضوع برای

آنان سخت بود، برای همین، در جهت براندازی آن از در مخاصمه وارد شدند و هیچ‌گاه از دشمنی خود دست برنداشتند، آنان به راحتی نمی‌توانستند منافع ازدست‌رفته را با استقلال ملت ایران ببینند، به همین دلیل هزینه‌هایی چون دشمنی برخی کشورها مثل آمریکا را به همراه داشت؛ چراکه دستشان برای همیشه از منابع حیاتی ایران کوتاه گردید، مارتین ایندایک (معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه) گستاخانه تصریح می‌کند؛ مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی درس عبرتی بر کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از سلطه آمریکا گام برمی‌دارند، [۸] نوام چامسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی نیز معتقد است؛ دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی به دلیل استقلال‌طلبی این کشور است و می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیرقابل‌پذیرش است چون از استقلال خود چشم‌پوشی نمی‌کند»، [۹] به همین مناسبت مقام‌معظم‌رهبری فرمودند: «دشمنی آمریکا و استکبار جهانی با ایران اسلامی به‌خاطر حرکت قدرتمندانه مردمی است چون ایمان مردم، علاقه مردم به استقلال و اطمینان به نفس مردم به ضرر آنهاست، آنها می‌خواهند کشور ما را همیشه وابسته نگه دارند، آنها می‌خواهند از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را وابسته به خودشان نگه دارند، وقتی کشوری مستقل است و اطمینان به نفس دارد و با اعتماد به خود در راهی که او را به سمت اهداف والا می‌رساند حرکت می‌کند طبعاً اینها ناراضی می‌شوند، ناراضی‌ای دشمنان جهانی ما به این خاطر است، آنها وقتی راضی می‌شوند که ملت ایران اختیار دین و فرهنگ و اقتصاد خود را یکسره به آنها بسپارد، ملت ایران امروز بیدار شده است و زیر بار چنین زورگویی‌ها و قلدری‌هایی نمی‌رود». [۱۰]

درمجموع دشمنی برخی از کشورها مثل آمریکا و... به‌خاطر قطع دست آنان از چنگ‌اندازی به منافع کشور است و این چیزی نیست که ما درصدد انکار و یا چاره‌جویی برای آن باشیم؛ بلکه به آن افتخار می‌کنیم و اصولاً آیا از ابرقدرتی که توسط این انقلاب تحقیر شده چیزی جز دشمنی می‌توان انتظار داشت، پس بدون شک انقلاب اسلامی بنیان نظام استکباری را به خطر انداخته است و همین مسئله از دلایل دشمنی استکبار جهانی و آمریکا با انقلاب اسلامی است، مقام‌معظم‌رهبری فرمودند: «بعد از پیروزی انقلاب تاکنون

آمریکایی‌ها از دشمنی با ملت و کشور و نظام جمهوری اسلامی هرگز دست نکشیده‌اند و یک‌لحظه از دشمنی بازنیستاده‌اند علت همین است که اینجا پایگاه سیاسی و اقتصادی امن‌وامان آمریکایی‌ها بود؛ اما فکر اسلامی و ایمان اسلامی این ملت را بیدار کرد و آنها توانستند به برکت اسلام، دست این سلطه‌طلب زیاده‌خواه زورگوی چپاولگر را کوتاه کنند، در حقیقت اسلام در کشور ما بزرگ‌ترین ضربه را به استکبار آمریکایی زده است، بنابراین آنها هم بزرگ‌ترین کینه را دارند و بی‌مهار اقداماتی می‌کنند». [۱۱]

شبهه چهارم

اتفاقات کنونی کشور نتیجه تصمیم‌گیری‌های اول انقلاب است که اکنون هزینه آنها را می‌پردازیم، هیچ کشوری نمی‌تواند با بستن مرزهای خود و با اتکا به خود، توسعه پیدا کند حداقل در تاریخ نبوده است.

پاسخ شبهه

نگاه سطحی و درک نادرست از دلیل اصلی دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی و تقلیل آن به مواضع و عملکرد نظام جمهوری اسلامی در برخی مسائل موجب شده تا برخی، دشمنی نظام سلطه و آمریکا با جمهوری اسلامی را نتیجه عملکرد کشورمان و وضعیت موجود را هزینه تصمیمات اوایل انقلاب تلقی نمایند و با تصویری غیرواقعی ادعا کنند هیچ کشوری نمی‌تواند با بستن مرزهای خود و با اتکا به خود، توسعه پیدا کند. [۱۲]

توجه به چند نکته، نادرستی این‌گونه برداشت‌ها را اثبات می‌کند.

۱. بررسی رفتارهای خصمانه آمریکا در تاریخ معاصر کشورمان به خوبی بیانگر آن است که دشمنی آمریکا با کشور ما به مسائلی مانند تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام ارتباط نداشته و به سالیان بسیار قبل از این ماجرا بازمی‌گردد. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ترسیم نمونه‌ای از دخالت آمریکا و دشمنی این کشور با جمهوری اسلامی است. کرمیت روزولت از مقامات برجسته سیا که مجری این کودتا بود، چنین اعتراف می‌کند: «کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که به وسیله سیا در ماه‌های آخر حکومت ترومن تنظیم شده بود». [۱۳]

آمریکا حتی در روزگاری که حکومت وابسته آنان در کشور ما بر سرکار بود، با تحمیل

قانون استعماری کاپیتولاسیون، زیاده‌خواهی و خوی سلطه‌جویانه خود را با ارائه چنین طرحی آشکار نمود و نشان داد که برای عزت و استقلال مردم این مرزوبوم ارزشی قائل نیست، کویلر یانگ استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین به‌عنوان نشانه فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد، با این‌همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم».[۱۴]

تلاش برای کودتا در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی برای جلوگیری از انقلاب توسط ژنرال هایزر و اعزام وی به ایران پس از خروج شاه از ایران نیز نمونه‌ای از رفتار خصمانه آمریکا در قبال کشور ماست.

برژینسکی به‌صراحت می‌گوید؛ طرح آمریکا از اعزام هایزر، انجام یک کودتای خونین به فاصله کوتاهی پس از خروج محمدرضا پهلوی از ایران بود.[۱۵]

تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام در واکنش به دخالت‌ها و اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا در کشور ما صورت گرفت، مسئله‌ای که پس از انتشار اسناد سفارت بر همگان آشکار گردید؛ یعنی مأموران اطلاعاتی آمریکا در پوشش سفارت آمریکا تحت عنوان دیپلمات، مأموریت اطلاعاتی و امنیتی خود را انجام می‌دادند و این موضوع طبق مدارک به‌دست‌آمده غیرقابل‌انکار است و دستگیری و زندانی کردن دیپلمات‌های آمریکایی طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد حق قانونی ایران در دفاع از خود است.

البته برخی به دنبال القای این مسئله هستند که هزینه‌هایی که امروز کشور می‌پردازد، به دلیل اقداماتی مانند تسخیر سفارت آمریکا در اوایل پیروزی انقلاب است و اگر این مسئله نبود، امروز ایران تحت تحریم‌ها و دشمنی‌های آمریکا قرار نداشت، در این نگاه و خط فکری درک درستی از واقعیات تاریخی و ماهیت استکباری آمریکا وجود ندارد که دست به تحریف واقعیات می‌زند، مقام‌معظم‌رهبری در واکنش به این خط فکری فرمودند: «بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را می‌کنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروف آن روز آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت گفت: از وقتی که جوان‌های شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریف

تاریخ است؛ قضیه این نیست، اختلاف بین ملت ایران و آمریکا از بیست و هشتم مرداد، حتی قبل از بیست و هشتم مرداد شروع شد؛ بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند، خباثت کردند، ملت ایران را با کودتا دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند؛ شوخی نیست؛ سال‌های متمادی این کشور زیر فشار رژیم وابسته به آمریکا دست‌وپا زد»، [۱۶] همچنین پس از سقوط رژیم پهلوی و نیز پیروزی انقلاب تا مدتی «هنوز سفارت آمریکا در ایران بود، آمریکایی‌ها راحت در داخل کشور رفت‌وآمد می‌کردند، انقلاب موجب نشده بود که آمریکایی‌ها را از ایران بیرون کنند؛ مثل بقیه دولت‌ها سفارت داشتند، مأمورین داشتند، در اینجا داشتند زندگی می‌کردند؛ در همان هنگام دولت آمریکا دشمنی خودش را با انقلاب نشان داد ... عکس‌العمل و واکنش به این حرکت، حرکت دانشجویان بود؛ رفتند سفارت آمریکا را گرفتند، معلوم شد اینجا لانه جاسوسی است، معلوم شد در طول این چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، در این مدت، اینجا مرکز توطئه علیه انقلاب بوده است؛ این را اسناد منتشر شده بعدی از داخل سفارت آمریکا نشان داد و ثابت کرد. جوان‌های عزیز! اسناد لانه جاسوسی را بگیرید بخوانید، درس‌آموز است. دانشجویانی که سفارت را تسخیر کردند و فهمیدند اینجا لانه جاسوسی است، با زحمت زیاد این اسناد را - که سعی کرده بودند در کاغذ خردکن‌ها آنها را خرد کنند، نابود کنند - به هم چسباندند، با زحمت زیاد اینها را استحصال کردند و منتشر کردند؛ هفتاد، هشتاد جلد کتاب منتشر شده است. اینها نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها چه در هنگام اوج نهضت، چه در هنگامی که نهضت و انقلاب پیروز شده است و جمهوری اسلامی تشکیل شده است، دائم در حال توطئه علیه نظام اسلامی بوده‌اند؛ آمریکا این است». [۱۷]

با این تاریخ و حجم توطئه و دشمنی آمریکا علیه کشور ما چگونه می‌توان دشمنی آمریکا را ناشی از اقدامات جمهوری اسلامی دانست؟ اقدام و تصمیم جمهوری اسلامی چیزی جز بازبانی استقلال از دست‌رفته و احیای عزت لگدمال شده خود نبوده است، گناه جمهوری اسلامی از نظر آمریکا این بود که زیر بار سلطه نرفته و حاضر به پذیرش زیاده‌خواهی آن نبود. مارتین ایندایک معاون خاورمیانه‌ای وقت وزارت خارجه آمریکا با اشاره به ناهمخوانی سیاست‌های جمهوری اسلامی با ایالت متحده، گستاخانه تأکید می‌کند

که مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی درس عبرتی برای کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از رهبری آمریکا گام برمی‌دارند. [۱۸]

۲. جمهوری اسلامی مرزهای خود را بر روی هیچ کشوری نبسته است، سیاست خارجی جمهوری اسلامی و روابط با سایر کشورها از همان آغاز شکل‌گیری به‌روشنی ترسیم‌شده و بر پایه احترام متقابل و مسالمت‌آمیز و حفظ استقلال همه‌جانبه و نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری استوار شده است و با همه کشورهای در این چارچوب رابطه داشته و دارد، طبیعی است با کشوری همچون آمریکا که به دنبال زیاده‌خواهی و تحمیل خواسته‌های خود بوده و به حقوق کشور ما احترام نمی‌گذارد، امکان رابطه‌ای عزتمندانه وجود ندارد و این مشکل از ناحیه آمریکاست نه کشور ما، جمهوری اسلامی تنها خواهان استقلال و عزت خویش بوده و این آمریکا بود که حاضر به پذیرش استقلال کشور ما نبود.

«گناه جمهوری اسلامی و گناه ملتی که به این جمهوری و به این اسلام دل‌سپرده و در راه او حرکت کرده، فقط همین است که می‌خواهد زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران به شخصیت خودش نرود». [۱۹]

نباید جهان را در آمریکا و چند کشور خلاصه کرد و دشمنی آنان با جمهوری اسلامی را دشمنی کشورها با جمهوری اسلامی تلقی کرد. مقام‌معم‌رهبری با اشاره به تحریف و دروغ‌گویی جبهه استکبار فرمودند: «آنها به‌دروغ در تبلیغات خود می‌گفتند؛ جمهوری اسلامی با تمام دنیا سرِ ناسازگاری و ستیزه دارد درحالی‌که نظام اسلامی بر اساس تأکیدات قرآن، فقط در مقابل کسانی قرار دارد که با ملت ایران دشمنی می‌کنند و با بقیه ملت‌ها و کشورها از هر آیین و نژادی روابط دوستانه دارد». [۲۰]

۳. دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ریشه در ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال‌طلبانه آن دارد و این‌گونه نیست که با عقب‌نشینی و دست برداشتن از یک مسئله، دشمنی آنان با نظام تمام شود، نباید تصور کرد که با کنار گذاشتن یک تصمیم و یک اقدام دشمنی‌های آنان پایان می‌یابد، آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی راضی نخواهند شد؛ همان‌گونه که حضرت امام فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که

دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند...» [۲۱]

شبهه پنجم

چرا با آمریکا سازش نمی‌کنیم و همواره ما با جهان‌ستیز داریم، کی این دشمنی‌ها پایان می‌یابد؟

پاسخ شبهه

مبارزه دامن‌دار ملت ایران با نظام سلطه غرب به رهبری آمریکا، درواقع عکس‌العملی است نسبت به دشمنی‌هایی که این کشورها با ملت ایران داشته و ظلم و جنایت‌هایی که در حق آن روا داشته‌اند؛ به نظر می‌رسد اگر علت دشمنی آمریکایی‌ها با ملت ایران مشخص شود لزوم مبارزه با آن نیز خودبه‌خود روشن می‌شود، در همین راستا یادآور می‌شویم که انقلاب اسلامی ایران باتکیه بر اسلام با ارائه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی از یک‌سو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان به هم زد و با ساختار فرهنگی دینی خود، فرهنگ استعماری غرب را زیر سؤال برد و از سوی دیگر روند انقلاب اسلامی با آگاهی‌های عمیقی که میان ملت‌های مسلمان جهان به‌ویژه در کشورهای اسلامی به وجود آورد، زمینهٔ تحولات سیاسی ریشه‌دار و بینش‌ها و گرایش‌های سیاسی چشمگیری را فراهم آورد، به همین جهت نظام استکباری غرب به نابودی انقلاب اسلامی ایران همت گماشته است؛ چراکه انقلاب اسلامی تهدید بزرگی در برابر منافع کشورهای استعماری خصوصاً آمریکا است؛ ازاین‌رو در بررسی مهم‌ترین عوامل دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی و استمرار و دست برداشتن از این دشمنی، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی: یکی از مهم‌ترین عوامل دشمنی استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا با نظام جمهوری اسلامی؛ بلکه ریشه اصلی تمامی دشمنی‌ها، اسلامی بودن انقلاب و شکل‌گیری انقلاب بر پایه اسلام ناب است، انقلاب اسلامی که بر پایه فرهنگ



غنی اسلام شکل گرفت، فرهنگ غرب و مبانی آن را به چالش کشیده و زیر سؤال برد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «امروز دشمنی اردوگاه استکبار با ایران اسلامی به خاطر اسلام است، آنها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می کنند و الله که آمریکا از ملت ایران از هیچ چیزشان به قدر مسلمان بودن و پایبند به اسلام ناب محمدی بودن ناراحت نیست او می خواهد شما از این پایبندی دست بردارید». [۲۲]

۲. زیر سؤال بردن نظام استکباری: موجودیت نظام جمهوری اسلامی و حرکت باصلابت و مقتدرانه آن، بنیان نظام استکباری را به خطر انداخته است و همین مسئله از دلایل دشمنی استکبار جهانی و آمریکا با انقلاب اسلامی است، ریچارد مورفی معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسئله استراتژیک متعارف نیست، مسئله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است». [۲۳]

۳. انقلاب اسلامی کانون بیداری و الگوی سایر ملت ها: تأثیرگذاری و نفوذ انقلاب اسلامی در نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان و تبدیل شدن انقلاب اسلامی به عنوان کانون بیداری ملت ها و الگویی برای مبارزه و مقابله با قدرت های بزرگ و دمیدن روحیه استکبارستیزی در میان آنان که امروز نمونه های آن را در کشورهای عربی اسلامی شاهد هستیم، از دلایل عمده دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی است.

۴. استقلال طلبی جمهوری اسلامی و حرکت در مسیر پیشرفت: استقلال طلبی و حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت کشور و رهایی از وابستگی در عرصه های مختلف به سایر کشورها از جمله قدرت های بزرگ نیز از جمله دلایل دشمنی قدرت های بزرگ با نظام جمهوری اسلامی ایران است.

مقام معظم رهبری فرمودند: «آمریکایی ها می دانند که اگر ایران اسلامی و ملت ایران بر قله رفیع این فناوری بایستد سخن حق او که دعوت به استقلال و عزت و سرافرازی است در افکار عمومی جهان به ویژه مسلمانان، نفوذ بیشتری خواهد یافت و دشمنان ملت از همین مسئله ناراحت و نگران اند». [۲۴]

بنابراین آگاهی نسبت به ذات استکباری رژیم ایالات متحده این حقیقت را به ذهن متبادر

می‌کند که آنان نفس وجود نظام اسلامی ایران را در تضاد با منافع خود قلمداد می‌کنند، در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرمایند: [می‌گویند] چرا جلب دشمنی آمریکا را می‌کنید؟ مثلاً فرض کنید حالا رئیس‌جمهور تعبیر تندی می‌کند، ناگهان آقایان به اصطلاح عقلاً می‌گویند این تعبیر تند بود؛ این دشمنی آمریکایی‌ها را جلب می‌کند. نه آقا! دشمنی آمریکایی‌ها تابع این الفاظ و تعبیرات نیست. دشمنی، دشمنی اصولی است. این دشمنی در زمان‌های مختلف بوده. از اول انقلاب تا حالا دشمنی بوده ...» [۲۵] و نیز ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: ما نمی‌خواهیم برای خودمان در دسر بیخودی درست کنیم؛ بعضی‌ها نگویند شما مدام آمریکا را وادار می‌کنید و تحریک می‌کنید؛ نه، آمریکا تحریک نمی‌خواهد، آمریکا دشمن است. آمریکا یک روز صاحب ایران بوده است، انقلاب آمده این [کشور] را از دستش بیرون آورده است؛ از پا نمی‌خواهد بنشیند تا وقتی که دوباره خودش را مسلط بکند، آمریکا این است. [۲۶]

همین دشمنی‌ها و رویکرد سلطه‌گرانه آمریکایی‌ها علت عدم سازش ملت بیدار ما با آنهاست، چراکه تا این خوی ستیزه‌جویانه و استکباری در رفتار سردمداران آمریکایی وجود دارد تعامل و سازش با آنان معنا ندارد، همان‌گونه امام خمینی رحمته‌الله در این باره گوشزد نمودند: به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند ... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی. [۲۷]

شبهه ششم

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از مسیر اولیه خود منحرف شده است، با این وضعیت چطور می‌شود از انقلاب و نظام دفاع کرد؟

پاسخ شبهه

ممکن است با مشاهده برخی کاستی‌ها در بخش‌های مختلف جامعه و یا برخی رفتارها از جانب مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی و... برخی این‌گونه نتیجه بگیرند که نظام اسلامی از مسیر اولیه خود منحرف شده است، اما این امور عمدتاً امور جزئی و نه فراگیر بوده و به‌تنهایی نمی‌توانند بیانگر کارنامه نظام در دستیابی به اهداف خود باشند و حتی ممکن است در مواردی نشانه عدم انحراف نظام باشند؛ به‌عنوان نمونه بروز برخی مشکلات همچون مشکلات اقتصادی در کشور ارتباطی با منحرف شدن نظام اسلامی ندارد و این مشکلات دلایل متعددی دارند که نظام اسلامی و ساختارهای آن، بخش کوچکی از این دلایل را تشکیل می‌دهند، همچنین می‌توان گفت؛ علت‌شناسی دقیق این مشکلات حاکی از عدم انحراف از اصول اولیه خود است؛ چنان‌که بخشی از این مشکلات ناشی از سیاست‌های سلطه‌طلبانه قدرت‌های غربی است که در قالب تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان اعمال می‌شود، از طرفی می‌دانیم که علت این همه اعمال فشار و تحریم نیز پافشاری ملت ایران بر اصول و ارزش‌های انقلابی خود است و این شاهدی بر عدم انحراف نظام از اصول اولیه خود است.

سایر موارد نیز کمابیش از این قبیل هستند و به‌تنهایی نمی‌توانند نشانه انحراف نظام از اهداف خود تلقی شوند و نهایت این است که وجود این موارد هشدار است برای آسیب‌شناسی نظام اسلامی و رفع آنها؛ چنان‌که مقام‌معظم‌رهبری ضمن پذیرش برخی از این آسیب‌ها همواره هشدارهای جدی برای رفع آن داده‌اند، به‌عنوان مثال نادیده گرفته شدن عدالت اجتماعی به بهانه توسعه اقتصادی یکی از آسیب‌هایی است که نظام اسلامی همواره در معرض آن قرار دارد و به همین دلیل مقام‌معظم‌رهبری بارها توجه مسئولان امر را نسبت به این موضوع جلب کرده و فرموده‌اند: «در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد؛ زیرا قسط و عدل از همه آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و براین اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و

ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر ادامه قسط و عدل در جامعه باشد، رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی نیست؛ بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است، هر برنامه اقتصادی، آن‌وقتی معتبر است که با خودش به‌تنهایی یا در مجموعه برنامه‌ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند والا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند به فرض بر اینکه رشد اقتصادی منتهی شود کافی نیست».[۲۸]

براین‌اساس برای ارزیابی کارنامه نظام جمهوری اسلامی و میزان پایبندی به اصول و ارزش آن و نیز میزان دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی و ایستادگی در مسیر آن، باید ابتدا اهداف کلان انقلاب اسلامی را مدنظر قرار دهیم، این اهداف اجمالاً عبارتند از:

۱. تشکیل حکومت مشروع اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه

بر اساس مبانی دینی، حاکمیت مشروع از آن خداست و جز خداوند متعال هیچ‌کس حق حکومت ندارد، مگر اینکه از سوی خداوند متعال مأذون باشد؛ ازاین‌روی در طول تاریخ اسلام، اکثریت قریب به اتفاق حکومت‌ها فاقد مشروعیت بوده و به‌اصطلاح طاغوت نامیده می‌شدند، در این میان یکی از هنرهای امام خمینی علیه‌السلام این بود که با قیام خود تلاش کرد تا از یک‌سو حکومت طاغوت را ریشه‌کن سازد و از سوی دیگر حکومت مشروع مبتنی بر ولایت فقیه را ایجاد نماید، طرحی که بعدها با فراهم شدن شرایط با نام «جمهوری اسلامی» به‌عنوان نظام جایگزین نظام شاهنشاهی به جهانیان معرفی شد که پایه‌های آن، بر «اراده مردم» از یک‌سو و «فرامین شریعت» از سوی دیگر استوار بود، حضرت امام خمینی علیه‌السلام در مصاحبه‌ای در این زمینه درباره جمهوری اسلامی این‌گونه توضیح می‌دهد: «رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک رژیمی است متکی بر آرای عمومی و فراندوم عمومی و قانون اساسی‌اش قانون اسلام و باید منطبق بر قانون اسلام باشد و قانون اسلام مرفقی‌ترین قوانین است»، [۲۹] وجود برخی مشکلات در کشور قابل انکار نیست؛ اما این اشکالات به‌گونه‌ای نیست که اصل مشروعیت الهی نظام و جمهوریت آن را زیر سؤال ببرد و یا به معنای انحراف در اساس نظام جمهوری اسلامی باشد.

۲. حاکمیت مردم بر سرنوشت خود

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل حاکمیت نظام شاهنشاهی، مردم هرگز نقشی در سرنوشت خویش نداشتند و به برکت انقلاب اسلامی این مردم بودند که بر سرنوشت خویش

و مقدرات کشور حاکم شدند و این روند تا به امروز ادامه داشته است، شاهد بر این نکته ده‌ها انتخاباتی است که در طی بیش از چهاردهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برگزار شده و طی آنها منتخبان مردم، در بخش‌های مختلف نظام به نمایندگی از آنها به تدوین قوانین و یا اجرای امور پرداخته‌اند و به همین دلیل مسئولیت بخش اعظم تصمیمات و رخدادهای مثبت یا منفی که در این مدت شاهد بودیم بر عهده خود مردم بوده است و هرگونه تغییری در این روند نیز بر اساس خواست مردم امکان‌پذیر است.

۳. استقلال و رهایی از سلطه بیگانه

اهمیت این هدف زمانی آشکار می‌شود که بدانیم تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور ما اگرچه در ظاهر کشوری مستقل بود اما به دلیل وابستگی‌هایی که به رژیم‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا داشت، عملاً فاقد هرگونه استقلالی بود و همین وابستگی از یک‌سو جلوی هرگونه پیشرفت ایرانیان را می‌گرفت، از سوی دیگر زمینه چپاول ثروت ملی ایرانیان را فراهم می‌کرد و از جانب سوم آنها را تابعی از سیاست‌های نظام سلطه می‌ساخت؛ از این‌روی امام خمینی رحمته‌الله به‌عنوان پیشوای دینی خود را مسئول حفظ استقلال عنوان کرده و می‌فرمود: «ما از جانب خدای تعالی مأمور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت [را] در مقابل خطرهایی که پیش‌بینی می‌شود برای اسلام و استقلال مملکت جرم می‌دانیم»، [۳۰] این هدف مهم با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران تحقق یافت.

۴. محرومیت‌زدایی

رفع مظاهر فقر و محرومیت از جامعه یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران بود، به همین دلیل بنیادهایی چون بنیاد مستضعفان و بنیاد پانزده خرداد و نهادهایی نظیر جهاد سازندگی، کمیته امداد، حساب ۱۰۰ امام رحمته‌الله و بنیاد برکت، قرارگاه‌های محرومیت‌زدایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و... با هدف محرومیت‌زدایی از جامعه تأسیس گردید باین‌حال در کنار تلاش‌های انجام‌گرفته نباید از نیاز موانع و معضلات پیش روی کشور غافل شد و آنها را نادیده انگاشت.

۵. پیشرفت همه‌جانبه

پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف و تحول بزرگ صورت‌گرفته در کشور غیرقابل‌انکار است و امروزه خوشبختانه کشور قدم در مسیر آن گذاشته است، دستاوردهای خیره‌کننده



در حوزه‌های گوناگون علمی، پزشکی، نانو، هوافضا، هسته‌ای و نظامی و قرارگرفتن کشور ما در میان چندین کشور دارنده این فناوری‌ها، بیانگر ظرفیت پیشرفت کشور در بخش‌های مختلف است و آنچه اهمیت این پیشرفت‌ها را بیشتر آشکار می‌سازد، این است که این پیشرفت‌ها با وجود همه تحریم‌ها، فشارها و سنگ اندازی‌ها صورت گرفته است؛ البته این به معنای نادیده‌گرفتن مشکلات و کاستی‌ها نیست، در عین حال با استناد آنها نیز نباید تلاش‌ها و اقدامات انجام شده را نادیده گرفت.

نکته دیگری که باید مورد اشاره قرار گیرد این است که پاره‌ای تغییر و تحولات در نگاه‌ها، عملکردها، مناسبات فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و... نسبت به ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی یک واقعیت است که نمی‌توان آن را انکار کرد، همچون نوع نگاه به ارزش‌ها، سبک زندگی مردم و مسئولان، نوع مطالبات مردم و...؛ اما هیچ‌یک نشانه انحراف انقلاب اسلامی از آرمان‌های خود نمی‌تواند باشد و اگر هم در مواردی آسیب‌ها متوجه نظام اسلامی شود، با آسیب‌شناسی‌هایی که صورت می‌گیرد می‌توان مانع از آسیب دیدن نظام و انقلاب اسلامی شد.

بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف آن، هر انسان منصفی را به اذعان وامی‌دارد که نه تنها این انقلاب از مسیر خودش منحرف نشده است؛ بلکه روزه‌روز و گام‌به‌گام به اهداف و آرمان‌های بیشتری نیز دست‌یافته است و هرچه از عمر آن می‌گذرد مسیر راه‌یابی به ثبات و استحکام بیشتر را باصلابت می‌پیماید.

پی‌نوشت

- [۱]. مسعود رضوانی، آیت‌الله خمینی و «نظریه امام»: از تقیه شیعه تا انقلابی‌گری زیدیه، www.bbc.com/persian: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹.
- [۲]. ر.ک: سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله: نگاهی یکپارچه به سیره سیاسی و روش مبارزاتی ائمه علیهم‌السلام، تهران: صهبا، ۱۳۹۰، ص ۱۷.
- [۳]. ر.ک: همان، ص ۲۸۵.
- [۴]. نساء: ۱۴۱.
- [۵]. ر.ک: سیدروح‌الله موسوی‌خمینی (امام)، صحیفه امام علیه‌السلام، (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۰۹.
- [۶]. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۰۹.
- [۷]. ر.ک: منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۸۶.
- [۸]. روزنامه کیهان، ۷۸/۰۱/۲۶.
- [۹]. روزنامه رسالت، ۸۰/۰۲/۲۷.
- [۱۰]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در اجتماع مردم رفسنجان، ۸۴/۰۲/۱۸.
- [۱۱]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۹۷/۱۱/۲۲.
- [۱۲]. مسعود پزشکیان، اتفاقات ناگوار کنونی کشور نتیجه تصمیم‌ها و رفتارهای سال‌های اول پیروزی انقلاب است، اینستاگرام ۱۴۰۰/۰۸/۱۸.
- [۱۳]. ر.ک: سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۱۵.
- [۱۴]. ر.ک: جیمز بیل، عقاب و شیر تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸.
- [۱۵]. ر.ک: برژینسکی، اسرار سقوط شاه، ترجمه حمید احمدی، تهران: جامی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۳.
- [۱۶]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۸/۰۸/۱۲.



- [۱۷]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲.
- [۱۸]. همان، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲.
- [۱۹]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.
- [۲۰]. بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱.
- [۲۱]. ر.ک: سیدروح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۲۳۷.
- [۲۲]. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۹/۰۲/۱۳.
- [۲۳]. ر.ک: حسن واعظی، ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴؛ فارین پالیسی به نقل از خطر توطئه، ص ۹۵.
- [۲۴]. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم رفسنجان، ۸۴/۲/۱۸.
- [۲۵]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پرشور دانشجویان دانشگاه‌های یزد، ۸۶/۱۰/۱۳.
- [۲۶]. بیانات مقام معظم رهبری دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم آذربایجان شرقی، ۹۴/۱۱/۲۸.
- [۲۷]. سیدروح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۲۳۷.
- [۲۸]. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر، معاونین و مدیران کل ستادی و استانی وزارت تعاون، ۱۳۷۷/۰۲/۲۱.
- [۲۹]. ر.ک: سیدروح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۱۴-۵۱۵.
- [۳۰]. ر.ک: سیدروح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه امام علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۳۷.